

# پیش در آمدی بر نوزم مصرف در ایران



مقدمه:

مصرف و الگوی مصرف، دارای جنبه‌های گوناگونی است و باید از همه ابعاد بدان نگریسته شود، گروهی مصرف را تنها از بعد اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهند، در حالیکه ریشه‌های فرهنگی - اجتماعی نقش مهمتری را ایفاء می‌کند.

اساساً مصرف زدگی به عنوان یک مسئله عام و جهانی مربوط به ساخت تولید و فلسفه نظام سرمایه‌داری جهانی است، چه ندادوم حیات سرمایه - داران غربی در گرو غارتگری جوامع مختلف می‌باشد، و بقای کارخانجات آنها وابسته به بازارهای فروش کالاست؛ اصولاً شیوه غربی برای رفع احتیاج بازار نیست بلکه برای ایجاد بازار احتیاج است.

در ایران قبل از پیروزی انقلاب که تمامی امکانات در جهت فراهم نمودن شرایط غارتگری سرمایه‌داران جهانی بکار گرفته می‌شد، نو استعمارگران جهانی نقش مؤثری در تحمیل الگوی مصرف ایفاء می‌کردند. لذا برای جایگزینی الگوی مصرف نوین و مستقل، شناخت ترندهای آنها امر مهمی بشمار می‌رود.

برای تغییر فرهنگ مصرف در ایران، استعمار راهی طولانی پیموده است. برای بیگانه کردن ملت ایران از خود، اولین گام را روشنفکران غریزه برداشتند. زیرا می‌بایست مذهب، تمدن و فرهنگ جامعه را نابود

کرده، جامعه‌ای تهی و از خود بیگانه بوجود آورد. آنها ندای تمدن و تجدد را سر دادند و بدون آنکه مفهوم تمدن را تعریف کنند تجدد را که عبارت از تغییر سنتها، مصرفهای گوناگون زندگی مادی از کهنه به جدید باشد، ترویج نمودند. تجدد بدترین ضربه‌ای بود که می‌توانست انسان را در هر شکل و قالب فکری به لجن بکشد و نابود کند.

آنها به ایرانی قبولانند که دارای شخصیت برابر با انسان غربی نیست و او را تحقیر کردند تا بپذیرد که برای پیشرفت باید مثل غربی‌ها بخورد، بیاشامد و فکر کند.

گام دوم را رضا خان بار فرمهای!! خود برداشت، مانند اجبار به کوتاه کردن ریش، بسر گذاشتن کلاه شاپو... بدنیاال این اقدامات زمینه پذیرش سایر شیوه‌های مصرف غربی در مردم بوجود آمد؛ زیرا با کلاه شاپو، گیوه و عبا مناسب نبود و بهمین ترتیب پذیرش هر الگوی غربی نفی الگوی استقلالی داخلی را به همراه آورد. بدین صورت نوزم مصرف جدید در ایران با گرفت، ذائقه‌ها تغییر کرد و ما نیز مانند کشورهای دیگر مصرف کنندگان عاقل و سربراهی برای کالاهای بُنجل غربی گشتیم و عادت به مصرف انواع فرآورده‌های کارخانجات شرکتهای چند ملیتی بوجود آمد. از آن جمله می‌توان محصولات از قبیل

نوشابه‌ها، کالباس و سوسیس، شامپو، دستمال کاغذی، نایلکس و نایلون و... را نام برد.

این سری از محصولات زائیده نیاز حقیقی بشر نیستند و تنها قادرند سودهای کلانی به جیب سرمایه‌داران وابسته سرازیر کنند، در حالیکه حذف هر یک از آنها ضرری به بدن نمی‌زنند. در کنار اینها می‌توان از صنایع مصرفی دیگر نظیر صنایع بیسکویت، آب نباتها، بستنی و آدامس را نام برد که به عنوان نقلات محسوب می‌شوند و به آسانی جیب مشتریان را خالی می‌کنند.

حدود ۳۰ سال پیش اولین کارخانه نوشابه‌سازی کشور، تولید خود را آغاز کرد، هر چند که جا افتادن مصرف آن سالها طول کشید، اما بالاخره به جایی رسید که نوشابه به عنوان کالای ضروری برای هضم غذا، مورد پذیرش همگان قرار گرفت. در حال حاضر مصرف سرانه نوشابه‌های گازدار سالانه حدود ۶۱ بطری است و جمعاً ۲/۵ میلیارد بطری نوشابه در کشور تولید می‌شود. مخارج ارزی آن نظیر خرید شکر، اسید سیتریک و... که حدود ۹۰ درصد نوشابه را تشکیل می‌دهند، از طریق واردات تأمین می‌شوند و تنها می‌توان گفت که آب آن تولید داخلی است. در سال ۱۳۶۱ از کل ارز مصرفی صنایع کشور حدود ۲۰ میلیون دلار آن صرف این صنعت شده است.<sup>۱</sup>

در مورد کالباس و سوسیس نیز وضع بدین شکل است، در ابتدا تولید این کالاها در ایران متداول نبود و مقداری برای مصرف خارجیان مقیم ایران وارد می‌گردید. اما بتدریج با راه‌انداختن کارخانجات مختلف در این زمینه جای خود را در سبد مصرفی مردم باز نمود و همه مایل بودند ساندویچ کالباس یا سوسیس با نوشابه کولا میل کنند؛ بطوریکه امروزه، معمولی‌ترین غذا در اسرع وقت محسوب می‌شود. آمارها نشان می‌دهد<sup>۲</sup> که میزان تولید آن از ۳۶۱۷ تن در سال ۱۳۵۳ به ۹۷۹۲ تن در سال ۱۳۵۶ و ۲۲۰ هزارتن در سال ۱۳۶۱ رسیده و بصورت جایگزین برای گوشت درآمده است، حتی کسانی که قبلاً مصرف نمی‌کردند، اکنون راغب به خرید آن می‌باشند.

تمام این کالاها همه از مظاهر تمدن و فرهنگ غرب در زندگی روزمره ما می‌باشند که کم کم استفاده از آنها بصورت عادت درآمده و جزء کالاهای ضروری قلمداد می‌شوند، بطوری که نبودن هریک از آنها مشکلاتی را به همراه می‌آورد!

### مصرف کالاهای اساسی:

کالاهای اساسی: خوراک، پوشاک، بهداشت و مسکن جزء نیازهای حقیقی بشر می‌باشند و کمبود هریک از آنها، انسان را از مسیر عادی زندگی بازمی‌دارد و در این میان اولین نیاز بشر، نیاز به مواد غذایی است که در مورد مصرف این کالاها به بحث می‌پردازیم.

مواد غذایی که در سبد مصرفی خانوارها استفاده می‌شوند عبارتند از: نان، برنج، گوشت (قرمز و سفید)، تخم مرغ، قند و شکر، روغن نباتی، سبزیجات و میوه‌جات و... بررسی کالایی نشان می‌دهد که گوشت (قرمز و سفید) و تخم مرغ جزء کالاهای با کشش در آمدی بالا، و قند و شکر و چای و نان کالاهایی غیر حساس هستند. با تغییر الگوی مصرف، ایرانی قدیم که عقیده داشت «قناعت توانگر کند مرد را» در اثر هجوم سیل بنیان کن «تجدد» و فرهنگ اسراف و تبذیر، بجایی رسید که اتلاف و افزایش مصرف غذایی را به عنوان ارزشهای پذیرفته شده، قبول کرد. در همین راستا سیل واردات مواد غذایی با افزایش قیمت نفت در ایران شدت گرفت و

اقلامی نظیر گوشت، برنج، گندم، کره، پنیر و... جزء کالاهای وارداتی جامعه درآمدند. پیدا کردن سر نخ آسان است: پول نفت باید از جایی دوباره به دور تسلسل تولید سرمایه داران غربی باز

هنگام با پیروزی انقلاب اسلامی، ضرورت تغییر ارزشها امری ضروری بشمار می‌رفت. مردم نیز پس از غلبه بر طاعوت سعی کردند که ارزشها را دگرگون کنند تا بدین طریق با الگوی دیکنه شده غربی و فرهنگ وارداتی مقابله کنند و گامهایی نیز در این راه برداشته شد، اما متأسفانه بدلیل آنکه ارزشهای جدید بطور کامل در اذهان مردم جا نیفتاده و همچنین از نظر اقتصادی سیستم مشخص و مبتنی بر نظام ارزشی و فرهنگی نوین در سطح جامعه پیاده نشد، طبیعتاً تغییرات اولیه در الگوهای مصرفی نیز بنیادی نگشته، و بتدریج گرایش به الگوهای مصرفی قدیم در سطح جامعه حاکم گردید.

لذا برای تغییر الگوی مصرف کنونی که نتیجه طبیعی مناسبات سرمایه داری بجا مانده و القای فرهنگ منحط مصرفی غرب می‌باشد، می‌بایست بدور از هر گونه شعار، برنامه ریزی‌هایی مبتنی بر پایه ریزی یک فرهنگ مستقل اسلامی و اقتصاد خود کفای داخلی انجام گیرد.

می‌گشت و خود عاملی جهت شکوفایی و رشد آنها می‌گردید.

بررسی «گروه طرح و برنامه واحد توزیع مواد غذایی» وزارت بازرگانی، میزان مواد غذایی مورد نیاز انسان را بدین شرح محاسبه نموده است. (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱- مقدار مواد غذایی مورد نیاز روزانه در سنین مختلف

بر حسب «گرم»

منابع غذایی	۱۱-۱۸ سال <sup>۲</sup>	میانگین ۱-۵۰ سال به بالا <sup>۱</sup>
گندم	۲۵۰	۱۸۹
برنج	۱۲۵	۱۰۰
گوشت (قرمز و سفید)	۶۰	۴۶
تخم مرغ	۱۵	۲۰
روغن نباتی	۲۵	۲۰/۷
شکر	۳۵	۳۰
سیب زمینی	۱۰۰	۷۸

۱- متوسط گروههای سنی: ۳-۱ سال،

۴-۶ سال، ۷-۱۰ سال، ۱۱-۱۸ سال،

۱۹-۲۲ سال، ۲۳-۵۰ سال و ۵۰ سال به بالا.

۲- با توجه به آنکه طبق برآورد سرشماری

سال ۱۳۶۵، میانگین سنی جمعیت ایران ۱۷ سال

است، میزان مواد غذایی سرانه روزانه با ستون

گروه سنی ۱۱-۱۸ سال سنجیده می‌شود.

مصرف روغن نباتی

همانطور که آمارها نشان می‌دهد، مصرف سرانه روغن نباتی در سال ۱۳۵۰ برابر ۹/۶۳ کیلوگرم بوده و با افزایش قیمت نفت (جدول شماره ۲) در سال ۱۳۵۳، به میزان ۶۰ درصد افزایش می‌یابد، که فقط ۳۰ درصد از این مقدار در داخل و مابقی از طریق واردات تأمین گردیده است. در سالهای بعد از پیروزی انقلاب میزان مصرف از ۱۷/۷۵ کیلوگرم در سال ۱۳۵۸ به ۹/۵۹ کیلوگرم در سال ۱۳۵۹ و ۷/۴۱ کیلوگرم در سال ۶۰ کاهش یافت.

کاهش مصرف در سال ۱۳۵۹ نسبت به ۱۳۵۸ بدلیل وقوع جنگ و محدودیت واردات می‌باشد، البته روند نزولی تولید داخلی در این مدت را هم نباید نادیده گرفت.

جدول شماره (۳) نشان دهنده درصد وابستگی این کالا به واردات می‌باشد، بطوریکه از ۶۳/۶۲ درصد وابستگی در سال ۱۳۵۱ به ۸۲/۴۲ درصد در سال ۱۳۵۷ می‌رسد، این میزان در سال ۱۳۵۹ به اوج خود یعنی به رقم ۹۳/۶۶ درصد افزایش می‌یابد. در واقع در این سال تنها ۶/۳۴

درصد کل مصرف، تولید داخلی بوده است. با توجه به اهداف قطع وابستگی و کاهش واردات، الزاماً کنترل کامل دولت بر امر توزیع این محصول همگام با سایر کالاهای اساسی انجام گرفت و از آذرماه ۱۳۵۹ برنامه توزیع کوپنی روغن نباتی بر اساس تأمین حداقل نیاز مردم اجرا شد.

طبق برنامه سهمیه بندی ۳، هر نفر ۴۵۰ گرم در ماه جیره دارد. دریافتی سرانه در سال معادل ۵/۴ کیلوگرم می‌باشد که بطور مستقیم به مصرف می‌رسد. میزان مصرف سرانه در سال ۱۳۵۹ معادل ۷/۴۱ کیلوگرم در سال محاسبه شده است که مابه‌التفاوت آن از مصرف کل کشور بطور مستقیم، سرانه ۲ کیلوگرم در سال می‌باشد.

البته با توجه به قلت آمار، مصرف آزاد این نوع کالا در نظر گرفته نشده است، در ضمن باید یادآور شویم که مصارف آزاد بیشتر جذب خانوارهای پردرآمد جامعه می‌شود و اقشار با درآمد پائین و حتی متوسط توان خرید روغن آزاد را ندارند و چه بسا، خانوارهای کم درآمد که مجبور به فروش سهمیه خود باشند تا بتوانند مبلغ آن را به مصرف کالاهای ضروری تر برسانند.

توزیع کوپنی تنها راهگشای این مشکل در جهت قطع وابستگی و کاهش واردات نمی‌باشد و

\* نیازهای روزانه بدن انسان در گروه سنی (۱۸-۱۱) به قند و شکر ۱۲/۶ کیلوگرم است، در حالیکه در ایران بطور مستقیم ۱۸/۴ کیلو و در کل ۲۵/۱۶ کیلوگرم مصرف سرانه قند و شکر می‌باشد.

\* مصرف سرانه قند و شکر در هند ۹/۹ کیلوگرم، در افغانستان ۷ کیلوگرم و متوسط این رقم برای کشورهای آسیایی ۵/۳ کیلوگرم در سال است. در حالیکه در کشورهای اروپایی ۳۹/۶ کیلوگرم و در آمریکا ۲۴/۵ کیلوگرم می‌باشد و متوسط جهانی نیز رقمی معادل ۱۹/۸ کیلوگرم در سال است. مقایسه نشان می‌دهد که مصرف سرانه قند و شکر در ایران بالا تر از میزان متوسط جهانی و هم سطح مصرف در آمریکا می‌باشد.

لازم است که تدابیر دیگری نیز اندیشیده شود، از جمله تغییراتی در طبخ غذا که در حال حاضر

ول شماره (۲) مصرف سرانه (سایبان و روزانه) مواد غذایی عمده در ایران

سال	۳۹	۴۱	۴۴	۵۰	۵۳	۵۴	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳
قند و شکر	۱۹/۰۳	۱۹/۱۳	۲۱/۵۵	۲۵/۸	۳۰/۳۰	۳۱/۰۹	۳۱/۷۶	/۰۰۰	۳۷/۸۹	۲۹/۷۹	۲۸/۳۶	۲۵/۴۶	۲۸/۸۳	۲۵/۱۶
سالانه (کیلوگرم)	۵۲/۱۴	۵۲/۴۱	۵۹/۰۴	۶۸/۷۷	۸۳/۰۱	۱۰۷/۱۰	۸۶/۸۸	/۰۰۰	۱۰۳/۸۱	۸۱/۶۲	۷۷/۷۰	۶۹/۷۵	۷۸/۹۹	۶۸/۹۳
روزانه (گرم)	...	...	...	۹/۶۳	...	۱۴/۹۴	۱۵/۴۱	۱۳/۴۹	۱۷/۷۵	۹/۵۹	۷/۴۱	۱۵/۳۱	...	...
روغن نباتی	...	...	...	۲۹/۳۸	...	۴۰/۹۳	۴۲/۲۲	۳۶/۹۶	۴۸/۶۳	۳۶/۲۷	۴۷/۷۰	۴۱/۹۴	...	...
سالانه (کیلوگرم)	۱۴۰/۳۵	۱۱۱/۳۹	۱۲۹/۵۸	۲۱۳/۹۸	۱۹۹/۱۵	۲۱۶/۶۷	۱۶۵/۵۲	۷۱۸/۱۰	۱۵۹/۳۷	۱۵۰	...	۱۵۱/۷۲	...	۸۳/۸
روزانه (گرم)	۳۸۴/۵۲	۳۰۵/۱۹	۳۵۵/۰۱	۵۸۶/۲۵	۵۲۳/۷۰	۵۹۳/۶۲	۴۵۳/۱۸	۴۹۳/۱۶	۴۳۶/۶۳	۴۱۰/۹۶	...	۴۱۵/۶۷	...	۲۲۹/۵۹
تغذیه	۲۱/۱۳	۲۴/۳۵	۲۵/۹۲	۳۶/۸۴	۴۵/۵۷	۵۰/۷۲	۵۵/۵۲	۳۹/۳۷	...	۳۰	...	۳۸/۵۹	...	۴۶/۰۸
سالانه (کیلوگرم)	۵۷/۸۹	۶۶/۷۱	۷۱/۰۱	۱۰۰/۹۳	۱۲۴/۸۵	۱۳۸/۹۶	۱۵۲/۱۱	۱۰۷/۸۶	...	۸۲/۱۹	...	۱۰۵/۷۳	...	۱۲۶/۲۵
روزانه (گرم)	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
پوست (فرموسفید)	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
سالانه (کیلوگرم)	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
روزانه (کیلوگرم)	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
قسم مرغ	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
سالانه (کیلوگرم)	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...
روزانه (گرم)	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...	...

محل: آمار از سالنامه آماری کشور

مجموعاً بطور سرخ کرده، تهیه می‌شود، تا از این طریق بتوان مصرف را تا حدودی کاهش داد. گفتنی است که کشورهایی چون چین و ژاپن فقط ۱۰ درصد غذاهایشان به صورت سرخ کرده است و مابقی به همان صورت پخته تهیه و مصرف می‌گردد.

### مصرف قند و شکر

مصرف سرانه قند و شکر در دوران قبل از انقلاب با یک روند صعودی از ۱۹/۰۳ کیلوگرم در سال ۱۳۳۹ به حداکثر ۳۹/۰۹ کیلوگرم در سال ۱۳۵۴ رسید. با افزایش درآمد نفت در سال ۱۳۵۳ و همراه با افزایش جمعیت، مصرف اینگونه کالاها افزایش یافت که نتیجه آن افزایش واردات این مواد از خارج و افزایش وابستگی بوده است. در سالهای بعد از انقلاب مصرف این محصول به ۳۷/۸۹ کیلوگرم در سال ۱۳۵۸ رسید ولی در سال ۱۳۵۹ بدلیل محدودیت ارزی و کاهش واردات مصرف آن به ۲۹/۷۹ کیلوگرم کاهش پیدا کرد و تا سال ۱۳۶۱ این روند ادامه داشت ولی مجدداً در سال ۶۲ افزایش مصرف مشاهده میشود. از سال ۱۳۵۹ با توجه به ضرورت نظارت بر مراحل مختلف تولید و توزیع قند و شکر، توزیع آن بصورت کوپنی و بدون واسطه انجام می‌گیرد.

سهیمه شهرنشینان<sup>۱</sup> مستقیماً به واحدهای صنعتی و تعاونی محل و سهمیه روستائیان نیز توسط شبکه‌های تعاون روستایی بر اساس کوپن سرانه هر نفر ماهانه ۱۲۰۰ گرم قند و شکر تحویل می‌گردد. همچنین سهمیه‌های صنعتی و

مفرقه نیز مستقیماً به انبارهای سهمیه بگیران حمل می‌شود. ضمناً به سهمیه روستائیان و عشایر، ۴ کوپن فوق العاده هر کوپن معادل یک کیلوگرم اضافه می‌شود. که در نتیجه در مجموع مصرف سرانه قند و شکر بطور مستقیم معادل ۱۸/۴ کیلوگرم در سال می‌باشد.

مابه‌التفاوت این رقم نسبت به ۲۵/۱۶ کیلوگرم مصرف سرانه کل کشور در سال ۱۳۶۳ معادل ۶/۷۶ کیلو در سال می‌باشد که صرف مصارف صنعتی و صنعتی و نوشابه‌سازی و ... می‌گردد که البته، عمده این میزان جذب خانوارهای با درآمدهای بالا تر میشود.

بر اساس آمار جدول نیازهای روزانه بدن مشخص میشود که بدن در گروه سنی (۱۱-۱۸)، سالانه به ۱۲/۶ کیلوگرم قند و شکر احتیاج دارد، در حالیکه بطور مستقیم ۱۸/۴ کیلو در کل ۲۵/۱۶ کیلوگرم در سال مصرف می‌کند. که به نسبت احتیاج بدن رقم بالایی می‌باشد.

بررسی آماری F.A.O سازمان خواربار جهانی نشان می‌دهد که مصرف سرانه قند و شکر در کشور هند ۹/۹ کیلوگرم و در کشور افغانستان ۷ کیلوگرم بوده و متوسط این رقم برای کشورهای آسیایی ۵/۳ کیلوگرم در سال است، در حالیکه در کشورهای اروپایی ۳۹/۶ کیلوگرم و آمریکا ۲۴/۵ کیلوگرم می‌باشد و متوسط جهانی نیز رقمی معادل ۱۹/۸ کیلوگرم در سال است. مقایسه نشان می‌دهد که مصرف سرانه قند و شکر در ایران بالاتر از میزان متوسط جهانی و هم سطح مصرف در آمریکا می‌باشد.

جدول شماره (۳): تولید، واردات و مصرف روغن نباتی خام و درصد وابستگی کشور در سالهای ۵۹-۵۱

**\* میزان مصرف سرانه گندم در سال ۱۳۳۹، ۱۴۰/۳۵ کیلوگرم بوده که به ۲۱۶/۷۷ کیلوگرم یعنی حداکثر مقدار مصرف در سال ۱۳۵۴ رسیده و سپس به رقم ۱۵۱/۷۲ کیلوگرم در سال ۱۳۶۱ کاهش یافته است. با توجه به میزان مورد نیاز بدن ۲۵۰ گرم در روز-میزان گندم مصرفی بر اساس آمار سال ۶۱، ۴۱۵/۱۷ گرم در روز می‌باشد که بیش از مقدار مورد نیاز می‌باشد.**

**\* میزان مصرف سرانه برنج از ۲۱/۱۳ کیلوگرم در سال ۱۳۳۹ به حداکثر ۵۰/۵۲ کیلوگرم در سال ۱۳۵۶ رسید که در حدود نصف آن را برنج وارداتی تشکیل می‌داد و سپس در سال ۱۳۶۳، مصرف سرانه برابر ۴۶/۰۸ کیلوگرم در سال گردید. البته واردات برنج هنوز نقش مهمی را در عرضه آن بازی می‌کند. بطوریکه رقم مزبور برای سال ۱۳۶۳، ۶۸۰ هزار تن بوده است.**

با توجه به نوسانات شدید و افزایش قیمت شکر در بازارهای بین‌المللی ضرورت کاهش تدریجی و در نهایت قطع ورود این کالا کاملاً محسوس

سال	۱۳۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹
تولید روغن خام	۷۴۱۳۱	۷۳۹۶۱	۸۹۳۵۰	۶۰۲۵۰	۷۰۶۸۲	۶۹۲۷۵	۵۸۳۳۰	۴۵۴۰۵	۱۸۷۸۰
واردات روغن خام	۱۲۹۶۲۲	۱۵۰۵۸۹	۲۱۳۱۶۵	۱۹۰۰۳۹	۲۸۰۸۴۶	۲۳۶۱۱۰	۲۷۳۴۸۲	۳۰۷۰۱۳	۲۷۷۵۱۹
جمع مصرف	۲۰۳۷۴۳	۲۲۴۵۵۰	۳۰۲۵۱۵	۲۵۰۲۸۹	۳۵۱۵۲۸	۳۰۵۳۸۵	۳۳۱۸۱۲	۳۵۲۴۱۸	۲۹۶۲۹۹
درصد وابستگی	۶۳/۶۲	۶۷/۰۶	۷۰/۴۶	۷۵/۹۳	۷۹/۸۹	۷۷/۳۲	۸۲/۴۲	۸۷/۱۲	۹۳/۶۶

مأخذ: گزارش روغن کشی و روغن نباتی در دفتر بررسی و برنامه ریزی صنایع غیرفلزی مرداد ۱۳۶۰

بوده و اتخاذ سیاستهای حمایتی بیشتر از کشاورزان و کارخانجات قند و تلاش در تغییر فرهنگ مصرف فعلی که در سطح بسیار بالایی قرار دارد، امری بسیار ضروری می‌باشد.

### مصرف گندم

گندم همواره به عنوان قوت اصلی مردم و بخصوص اقشار مستضعف و کم درآمد بوده است و به همین علت عنوان کالای استراتژیک را بخود اختصاص داده است.

قسمت اعظم گندم، صرف تهیه نان می‌شود ولی مفادیری از آن مصرف صنعتی و صنعتی دارد که به تولید ماکارونی، بیسکویت، شیرینی جات... اختصاص می‌یابد.

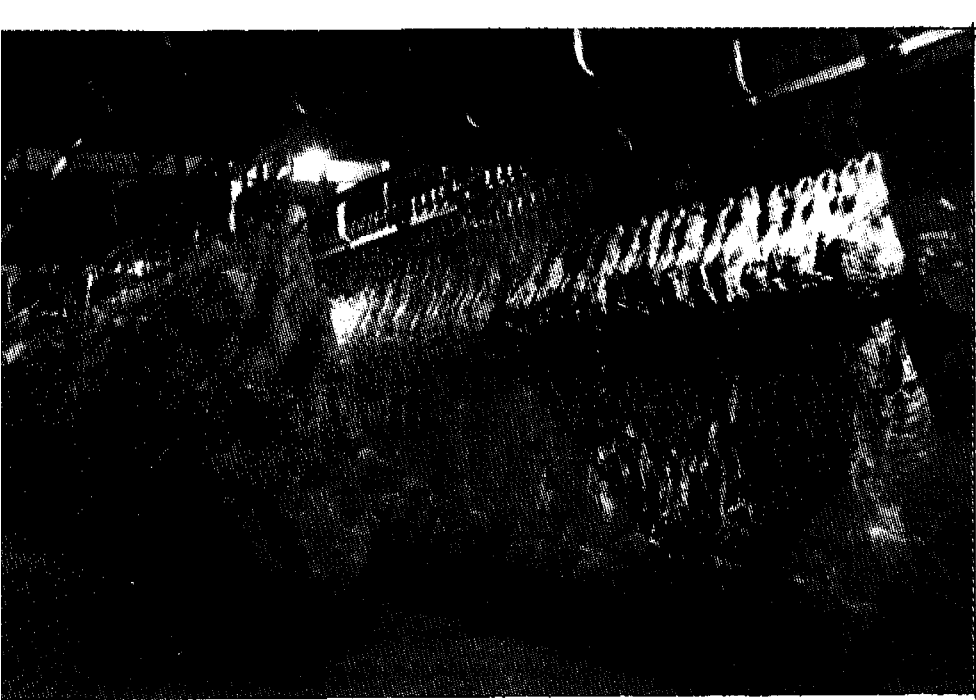
میزان مصرف سرانه گندم در سال ۱۳۳۹، ۱۴۰/۳۵ کیلوگرم بوده که به ۲۱۶/۷۷ کیلوگرم یعنی ماکزیمم مقدار مصرف در سال ۱۳۵۴ رسید و سپس به ۱۵۱/۷۲ کیلوگرم در سال ۱۳۶۱ کاهش یافته است.

طبق جدول شماره (۱) میزان مورد نیاز بدن، ۲۵۰ گرم در روز تخمین زده شده است که میزان مصرف روزانه گندم در سال ۱۳۶۱، ۴۱۵/۱۷ گرم در روز می‌باشد که بیش از مقدار مورد نیاز می‌باشد.

برای کاهش مصرف گندم - با توجه به اینکه مقادیر بالایی از آن از طریق واردات تأمین میشود - می‌بایست مصارف صنعتی و صنعتی آن کاسته شود چرا که نان به عنوان خوراک اصلی اقشار مستضعف جامعه ایران محسوب می‌شود و تغییر در آن به مصلحت نیست.

برای تقلیل مصارف صنعتی و صنعتی در بعضی از موارد از جمله بیسکویت سازی که ضرورت چندانی ندارد می‌توان سیاستهایی از جمله افزایش قیمت و یا کاهش سهمیه آرد تحویلی به کارخانجات اتخاذ کرد.

البته لازم است در کنار آن تغییراتی نیز در سهمیه روغن، شکر، تخم مرغ و... که کالاهای مکمل در اینگونه تولیدات هستند انجام گیرد، چرا که عدم توجه به این مسئله موجبات روی آوردن تولید کنندگان این کالاها به نانوائیها و خرید آرد آنان به قیمت بالا را فراهم خواهد کرد که نتیجه آن ایجاد نارسایی در امر تأمین نان مردم خواهد بود.



### مصرف گوشت

مصرف سرانه گوشت (قرمز و سفید) نیز در طول سالهای مورد بحث تغییرات زیادی نموده است. رقم مصرف سرانه گوشت از ۳۷/۸۹ کیلوگرم در سال ۱۳۵۳ به ۶۴/۳۸ کیلوگرم در سال ۱۳۵۷ بالغ گردید و سپس به ۵۹/۶۱ کیلوگرم در سال ۱۳۶۳ کاهش یافت. البته میزان عمده‌ای از این ماده نیز همانند سایر کالاهای اساسی از طریق واردات تأمین می‌گردد. رقم واردات مرغ در سال ۱۳۶۳، ۳۱ هزار تن و گوشت قرمز ۲۲۳ هزار تن<sup>۱</sup> می‌باشد و تنها برای واردات گوشت قرمز در این سال (۱۳۶۳) ارزی برابر با ۲۳۵ میلیون دلار صرف گشته که با توجه به محدودیت ذخایر ارزی و کاهش درآمد نفت رقم چشمگیری می‌باشد. البته می‌بایست متذکر شد که در خصوص برنج و گوشت (قرمز و سفید) نمی‌توان آمار دقیقی ارائه داد. در مورد برنج به علت عدم اعلام کوپن بطور مرتب، وجود قیمت‌های متنوع و اختلاف در آمد بین اقشار مختلف و تفاوت مابین جوامع شهری و روستایی، بررسی دقیق و تفکیک شده نمی‌توان انجام داد. گوشت نیز وضعی مشابه دارد، بخصوص اینکه در تمام مناطق کشور کوپن سهمیه بندی گوشت قرمز و مرغ توزیع نمی‌شود و در بسیاری از مناطق از جمله روستاها و

بقیه در صفحه ۴۴

**\* طبق آمار F.A.O مصرف سرانه برنج در ایران از ترکیه، سوئد، انگلستان، شوروی و لیبی بیشتر و هم سطح با کشورهای ژاپن و چین می‌باشد.**

**\* رقم مصرف سرانه گوشت از ۳۷/۸۹ کیلوگرم در سال ۱۳۵۳ به ۶۴/۳۸ کیلوگرم در سال ۱۳۵۷ بالغ گردید و در سال ۱۳۶۳ به ۵۹/۶۱ کیلوگرم کاهش یافت. که البته میزان عمده‌ای از این ماده غذایی نیز، مانند سایر کالاهای اساسی از طریق واردات تأمین می‌گردد.**

### مصرف برنج

میزان مصرف برنج از ۲۱/۱۳ کیلوگرم در سال ۱۳۳۹ به حداکثر ۵۵/۵۲ کیلوگرم در سال ۱۳۵۶ رسید که حدود نصف آن را برنج وارداتی تشکیل می‌داد و سپس در سال ۱۳۶۳، مصرف سرانه برابر با ۴۶/۰۸ کیلوگرم در سال گردید. البته واردات برنج هنوز نقش مهمی را در عرضه آن بازی می‌کند؛ رقم مزبور برای سال ۱۳۶۳، ۶۸۰ هزار تن بوده است. طبق آمار F.A.O مصرف سرانه برنج در ایران از ترکیه، سوئد، انگلستان، شوروی و لیبی بیشتر و هم سطح با کشورهای ژاپن و چین می‌باشد.

# پیش در آمدی بر نودم مصرف در ایران

بقیه از صفحه ۱۵

\* رقم واردات برنج در سال ۱۳۶۳، ۳۱ هزار تن و گوشت قرمز ۲۳۳ هزار تن می‌باشد و تنها برای واردات گوشت قرمز در این سال ارزی برابر ۲۳۵ میلیون دلار صرف گشته است.

\* در کشور ما بخصوص در شرایط فعلی که با سطح پایین تولید محصولات اساسی — پایین تر از میزان نیاز — مواجه هستیم و همچنین به جهت محدودیت ذخائر ارزی، تغییر الگوی مصرف نقش عمده‌ای در روند کاهش وابستگی ایفا می‌کند.

کالاهایی چون سیب‌زمینی که تولید آن در سطح بالایی قرار دارد و امکان کشت مناسب آن در کشور، وجود دارد، استفاده کرد؛ چرا که این ماده سرشار از کالری بوده و انرژی بخش نیز می‌باشد. سیب‌زمینی بواسطه داشتن کربوهیدرات و پروتئین دارای اهمیت بوده، به اندازه کافی ویتامین «ب» و «ث» و فیبر و سلولز در بردارد و در مجموع چهارمین ماده غذایی اصلی پس از گندم، برنج، و ذرت بشمار می‌رود. سیب‌زمینی

همانطور که ملاحظه گردید قسمت عمده‌ای از اقلام کالاهای اساسی ما از طریق واردات تأمین می‌گردد، در کشور ما بخصوص در شرایط فعلی که با سطح پائین تولید محصولات اساسی — پایین تر از میزان نیاز — مواجه هستیم و همچنین به جهت محدودیت ذخائر ارزی، تغییر الگوی مصرف نقش عمده‌ای در روند کاهش وابستگی و نیل به استقلال اقتصادی ایفا می‌کند. بطور مثال در حال حاضر می‌توان برای جبران کمبودهای موجود از

شهرستانهای کوچک می‌بایست میزان گوشت مورد نیاز را بطور آزاد تهیه کنند و به علت قیمت‌های بالای آن بالطبع درصد بالایی از خانوارها امکان تهیه آن را به مقدار مورد نیاز ندارند و مصرفشان کاملاً محدود میشود. مقادیر اعلام شده مصرف گوشت به عنوان متوسط مصرف است و گروه‌های با درآمد بالا مصرفی به مراتب بیش از آنچه ذکر شد دارند. بدین جهت باید به توزیع متناسب مواد غذایی در گروه‌های مختلف درآمد اشاره کرد و می‌بایست ترتیبی اتخاذ شود که مواد اصلی غذایی بطور یکسان بین مردم توزیع شود و فقر غذایی در گروه‌های کم درآمد بتدریج از بین برود.

## مصرف تخم مرغ

تخم مرغ کالای جان‌نشین مرغ و گوشت قرمز می‌باشد و دارای ماده حیاتی پروتئین است. میزان مصرف سرانه آن در سال ۱۳۵۳ برابر با ۲/۷۹ کیلوگرم بود که به ۶/۳۵ کیلوگرم در سال ۱۳۶۰ بالغ گردید و سپس به ۵/۸۱ کیلوگرم در سال ۶۳ رسید. میزان تخم مرغ وارداتی در سال ۱۳۶۳، ۳۳ هزار تن بوده است. تخم مرغ نیز از جمله کالاهایی است که مشمول سهمیه بندی شده است و در حال حاضر سهمیه هر فرد معادل ۷۰۰ گرم در ماه می‌باشد و مصرف سرانه روزانه آن معادل ۲۳ گرم است حال آنکه میزان مورد نیاز روزانه بدن در میانگین سنی ۱۷ سال برابر ۱۵ گرم می‌باشد.





۱۳۶۵ برسد. با وجود چنین امکان افزایش تولید و توجه بیشتر مسئولین و حل مسائل و مشکلات موجود در تولید، تأمین و توزیع آن و همچنین با اجرای سیاستها و برنامه‌های صحیح در جهت جایگزینی این کالا بجای محصولات غذایی دیگر که نیاز به واردات آن در سطح وسیع داریم، می‌توان گامهای مثبتی در جهت خود کفایی و تقویت اقتصاد داخلی مملکتمان برداریم.

**# در کشور ما، هنوز سیب زمینی به عنوان یک غذای اصلی جا نیفتاده؛ در حالی که در نقاط مختلف دنیا و بخصوص در کشورهای اروپایی و آمریکا به عنوان محصولی اساسی و استراتژیک و همپای گندم قلمداد می‌شود و حدود ۵۵ درصد غذای اصلی مردم این کشورها را تشکیل می‌دهد.**

اغلب داخل غذا، بصورت پخته و سرخ کرده، و به عنوان جزء اصلی غذا مصرف می‌شود و گاه بشکل تشققات از جمله چیپس مصرف می‌گردد. ولی مصرف غالب آن در ترکیبات غذایی روزانه است و اساساً غذا محسوب می‌شود. بر اساس آمار منتشره توسط F.A.O در سال ۱۹۸۴ مصرف سرانه سیب زمینی در کشورهای توسعه یافته حدود ۷ برابر کشورهای در حال توسعه - مستضعف - بوده است. در این سال مصرف سرانه این محصول در جهان کمی بیش از ۶۵ کیلوگرم بوده که نسبت به مصرف سرانه کشورمان - ۳۵ کیلوگرم طبق این آمار - نزدیک به دو برابر است.

زیرنویس:

- ۱- روزنامه کیهان ۱۰ و ۹ تیرماه ۱۳۶۵
- ۲- اقتباس از سالنامه آماری کشورهای سالهای ۱۳۵۵ - ۱۳۵۶ - ۱۳۶۴.
- ۳ و ۴ - وزارت بازرگانی - کمیته مواد غذایی
- ۵ و ۶ و ۷ - نشریات گوشت، تخم مرغ و مرغ مرکز مطالعات و پژوهشهای بازرگانی
- ۸ - سالنامه آماری کشورهای سالهای مختلف.

مصرفی آن تغییریری بوجود آورد آنوقت می‌توان امیدوار بود که با افزایش قیمت کالاهایی نظیر برنج از فشار تقاضای آن به نفع سیب زمینی کاسته می‌شود و یا حتی برای مقابله با استکبار جهانی و کاهش وابستگی، سیب زمینی می‌تواند به عنوان کالاهای جانسین نان نیز محسوب شود، چرا که با استراتژیک بودن کالایی چون گندم، کشورهای صادر کننده هدفشان وابستگی بیشتر ما و تسلط بر نظام اقتصادی کشورمان می‌باشد و از این طریق می‌توان برای قطع این سلطه کوشید.

میزان تولید سیب زمینی<sup>۸</sup> در سال ۱۳۳۹، ۹۸ هزار تن بوده که به رقم ۲۷۵ هزار تن در سال ۱۳۵۴ رسید، افزایش چشمگیر تولید سیب زمینی موجب شد که تولید آن به ۱/۸۰۰ هزار تن در سال ۶۴-۱۳۶۳ و به رقم بیسابقه ۲ میلیون تن در سال

ارزش غذایی سیب زمینی بیش از آن مقداری است که اکنون در کشورهای در حال توسعه مصرف می‌گردد. یکی از مهمترین عوامل در بالابردن سطح مصرف این کالا در کشورهای توسعه یافته، حمایت دولت از آن در مقابل سایر کالاها بوده است.

در کشور ما، هنوز این کالا به عنوان یک غذای اصلی جا نیفتاده؛ در حالی که در نقاط مختلف دنیا و بخصوص در کشورهای اروپایی و آمریکایی به عنوان محصولی اساسی و استراتژیک و همپای گندم قلمداد می‌شود و حدود ۵۵ درصد غذای اصلی مردم این کشورها را تشکیل می‌دهد. چنانچه از طریق تبلیغ و شناسایی این محصول بمصرف کنندگان بتوان در ترجیحات و فرهنگ

